

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی

شماره ۸، سال ۳، پاییز ۱۳۹۲

تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها

با تکیه بر ترجمه کتاب التَّرجمة و أدواتها

منصوره زرکوب^۱ و عاطفه صدیقی^{۲*}

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

۲. دانش‌آموخته رشته مترجمی عربی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۸/۲۵)

چکیده

هر زبان دارای نظام منحصر به فردی است که عناصر آن موجودیت و ارزش خود را در چهارچوب این نظام و در ارتباط با سایر عناصر به دست می‌آورند. بنابراین، مترجم نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن این نظام برای عناصر زبان مبدأ معادل پیدا کند، بلکه باید به جای معادل‌یابی دقیق عناصر زبان مبدأ، توجه خود را به ارزش و نقش ارتباطی کلام معطوف کند و با اعمال تغییرات مورد نیاز، ترجمه‌ای قابل درک برای خوانندگان زبان مقصد ارائه دهد. در این پژوهش سعی شده با تکیه بر نظریه‌ها و تئوری‌های ترجمه و با ارائه نمونه‌هایی کاربردی، برخی از راهکارهایی که موجب انتقال روان و درست معنا در ترجمه از عربی به زبان فارسی شده، بیان شود. به همین منظور، مثال‌هایی از کتاب «التَّرجمة و أدواتها؛ دراسات فی النظریة و التَّطبیق» نوشته «علی القاسمی» انتخاب شده است. این مثال‌ها مواردی است که در روند ترجمه این کتاب با آن مواجه شدیم و برای اینکه گامی در جهت ارائه شیوه علمی و نظام‌مند ترجمه برداشته باشیم، راهکارهایی را که برای ترجمه بهتر آنها به کار برده‌ایم و تغییرهایی را که برای انتقال بهتر معنا اعمال کرده‌ایم، در این جستار معرفی می‌کنیم. از مهم‌ترین این راهکارها می‌توان به توجه مترجم نسبت به تفاوت ساختاری زبانها و ارزش و نقش ارتباطی واژگان و عبارتها و از مهم‌ترین تغییرات می‌توان به حذف و اضافه، تغییر شکل دستوری واژگان، شکستن جملات پیچیده و بلند یا حتی ارائه چند واژه یا یک عبارت به جای یک واژه و برعکس اشاره نمود.

واژگان کلیدی: نقش ارتباطی، حذف و اضافه، هنجار زبان، معنی، ساختار.

* Email: Awatef_68@yahoo.com

مقدمه

از زمانی که بشر احساس کرد شناختن و شناساندن عقاید و علوم مختلف از نیازهای مهم زندگی بشری است، عمل ترجمه نیز شکل گرفت و شاید همزمان با نخستین ترجمه‌ها، بارقه‌های تفکر در خصوص ترجمه نیز دمید. از همان دوران باستان، همواره بحث بر سر این بوده که اولویت در عمل ترجمه با چیست؟ نویسنده یا خواننده؛ زبان مبدأ یا زبان مقصد؛ متن اصلی یا متن ترجمه شده؛ ترجمه لفظگرا یا ترجمه آزاد؛ ترجمه شکل و صورت یا ترجمه معنی و روح کلام ... در واقع، این سیسرون بود که برای اولین بار موضع خود را در خصوص ترجمه اعلام کرد و با شعار مشهور خود، «ترجمه کردن معنی به معنی نه کلمه به کلمه» راه را برای قطبی‌گرایی در ترجمه باز کرد و آغازگر ظهور طرفداران متن اصلی و متن ترجمه شده، گردید (ر.ک؛ مهدی‌پور، ۱۳۸۹: ۵-۲۴). با گذشت زمان، رفته‌رفته نظریات ترجمه ظهور کرد و نظریه‌پردازان به ارائه تعاریفی از ترجمه پرداختند. برخی ترجمه تحت‌اللفظی را برگزیدند و برخی دیگر ترجمه مخاطب‌مدار و تعدیل‌شده را موقّق شمردند و «منظور از تعدیل، تغییر یا دستکاری در صورت زبان مبدأ به هنگام قالب‌ریزی آن در زبان مقصد و با هدف انتقال بهتر پیام به مخاطب است» (صحرائی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۵-۲۴).

یکی از نظریه‌پردازانی که اعتقادی راسخ به تعدیل در ترجمه دارد، یوجین نایدا، زبانشناس و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی، است. نایدا ترجمه را چنین تعریف کرده است: «ترجمه عبارت است از بازسازی نزدیکترین معادل طبیعی پیام زبان مبدأ در زبان مقصد، نخست از نظر معنی، سپس از لحاظ سبک» (سعیدان، ۱۳۸۷: ۱۵). نایدا با وقوف به این حقیقت که بازسازی کامل متن در زبان مقصد غیرممکن است، عبارت «نزدیکترین معادل طبیعی» را به کار برده است. او ترجمه را به دو گونه صوری و پویا تقسیم می‌کند. ترجمه صوری به صورت کلمه وفادار می‌ماند. در این ترجمه، کلمه هرگز از قالب صوری خود خارج نمی‌شود، بلکه واژه یا عبارتی از زبان مبدأ به شکل کاملاً صوری با واژه یا عبارتی از زبان مقصد تعویض می‌شود. چنین ترجمه‌ای را بسیار راحت می‌توان از طریق ترجمه معکوس دوباره به صورت متن مبدأ درآورد، و طبیعی است که در چنین ترجمه‌ای

هیچ نوع تعدیل زبانی صورت نمی‌گیرد. اما ترجمه پویا قطب مقابل ترجمه صوری است. در این ترجمه، حرف آخر را پیام می‌زند. صورت صرفاً وسیله‌ای است در خدمت پیام و چنانچه لازم باشد، صورت را می‌توان کم، زیاد، متفاوت یا حتی حذف کرد تا خواننده به پیام مطلوب دست یابد. مهم دریافت پیام است که از طریق عاملی درجه دوم (صورت) منتقل می‌شود. نایدا بارها تأکید می‌کند که مترجم باید نهایت تلاش خود را بکند تا خواننده پیام متن مبدأ را دریابد. حرف نایدا حذف پیام نیست، بلکه دستکاری در صورت به منظور رساندن پیام است. وی معتقد است که ترجمه باید طوری باشد که بر خواننده ترجمه همان تأثیر را بگذارد که متن اصلی بر خواننده زبان اصلی گذاشته است، و چنانچه به این نتیجه برسیم که این تأثیر بر نمی‌آید، مجبوریم جرح و تعدیل کنیم (ر.ک؛ صلح‌جو، ۱۳۸۵: ۶۸-۵۸).

کتفورد نیز ترجمه را اینگونه تعریف می‌کند: «جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد» (لطفی پورساعدی، ۱۳۸۹: ۳). جایگزینی (replacement) یکی از عناصر متن زبان مبدأ با عنصر معادل آن در زبان مقصد به صورت ایستا و بدون اعمال تغییر در کل نظام متن انجام نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، این جایگزینی به صورت پویا موجب پیدایش تغییرهای دیگر در نظام متن می‌شود. در توضیح این مطلب، نظر کتفورد قابل توجه است. او تمایزی اساسی بین تناظر صوری و تعادل متنی در ترجمه قائل است. تناظر صوری مربوط به نظام زبان و تعادل متنی مربوط به تحقق یافتن آن زبان است. تناظر صوری بین مقوله‌ها در متن اصلی و ترجمه آن زمانی موجود است که یک مقوله در زبان مقصد تقریباً همان حالت را در نظام زبانی زبان مبدأ داشته باشد. در این حالت، مترجم به راحتی می‌تواند به تعادل متنی برسد، اما موارد بسیار دیگری هستند که در آنها مترجم باید مرتباً به تبدیلهای ترجمه‌ای دست بزند. این موارد شامل دور شدن از تناظر صوری در فرایند حرکت از یک زبان به زبان دیگر با استفاده از تغییر دادن دستور زبان و واژگان می‌شود (ر.ک؛ هاوس، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۱).

با توجه به آنچه گفته شد، هر ترجمه‌ای نیازمند اعمال تغییراتی است. تعدیل نکردن ترجمه سبب اشکال‌هایی در دریافت پیام خواهد شد. این تعدیل در هر زبانی صورتی خاص به خود خواهد گرفت. نوشته واحدی که مثلاً از زبان عربی به زبانهای فارسی، انگلیسی، ترکی یا فرانسوی ترجمه شود، در هر یک از این زبانها نیازمند تعدیل‌های خاص خود خواهد بود و لزوم آشنایی مترجم با این تعدیل‌های زبانی بر هیچ یک از کسانی که دستی در این حرفه داشته‌اند، پوشیده نیست.

پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی در این جستار، بررسی نمونه‌هایی از کتاب *الترجمة وأدواتها؛ دراسات فی النظرية والتطبيق*^۱ (۲۰۰۹م.) نوشته دکتر علی القاسمی و ترجمه آن است. در این راستا، در حدّ توان به بیان راهکارهایی برای ترجمه از زبان عربی به زبان فارسی می‌پردازیم تا از رهگذر آن، نظریه‌های ارائه شده برای ترجمه از حیطة تئوری به میدان کاربردی کشانده شود. برای تحقق این هدف در صدد آنیم که به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم: ۱- در روند ترجمه متون علمی از زبان عربی به زبان فارسی چه زمانی باید به تعدیل و تغییر دست زد؟ ۲- چه تغییرهایی مترجم را در ارائه ترجمه‌ای موفق، روان و ملموس به زبان فارسی یاری می‌رساند؟ ۳- به هنگام اعمال تغییرها و تعدیل‌ها چه نکاتی را باید مدّ نظر قرار داد؟

پیشینه پژوهش

تاکنون برخی نظریه‌پردازان و دانشمندان علم ترجمه به صورت پراکنده راهکارها و پیشنهادهایی به منظور دست یافتن به ترجمه‌ای موفق ارائه داده‌اند. افرادی نیز به صورت خاص به این مبحث پرداخته‌اند؛ مثلاً حسین وثوقی در مقاله‌ای با عنوان «مترجم توانا و آگاهی نسبت به تغییرات، هنجارهای متداول و راهبردهای ترجمه» (۱۳۸۵) به بیان راهکارها و تغییرات مورد نیاز در ترجمه بین دو زبان انگلیسی و فارسی پرداخته است. فاطمه مهدی‌پور نیز در مقاله «ژانر نه لامیرال: قضایایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه» (۱۳۹۰) تغییراتی را که باید در ترجمه از زبان فرانسه به زبان فارسی مدّ نظر

قرار داده شود، بر اساس نظر لادمیرال برمی‌شمرد. همچنین محمد حسن تقیّه با مقاله «ترجمه قرآن؛ چالش‌ها و راهکارها»، مهوش غلامی و لیلیا سلیمی در مقاله‌ای مشترک با عنوان «بررسی راهکارهای ترجمه عبارات محاوره‌ای در متون ادبی»، سالار منافعی اناری و سمیه عدیل در مقاله مشترک خود به نام «راهکارهای به کارگرفته شده در ترجمه اصطلاحات قرآن کریم» و صمد میرزاسوزنی با مقاله «کاربرد حسن تغییر در ترجمه» این مسأله را مورد توجه قرار داده‌اند. علاوه بر این، محمد حسن یوسف بخشی از کتاب خود، با عنوان «کیف تترجم» را به شیوه‌های ترجمه اختصاص داده است و در آن به ارائه راهکارهایی برای ترجمه بر اساس نظریه‌های ترجمه پرداخته است و نمونه‌هایی را نیز بین دو زبان عربی و انگلیسی برای تثبیت بیشتر بحث، در ذهن خواننده ذکر کرده است. بنابراین، وجه تمایز پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های نامبرده این است که به صورت خاص به بیان راهکارهای ترجمه بین دو زبان عربی و فارسی با تکیه بر برخی نظریه‌های ترجمه - و نه بر اساس سلیقه و تجربه - پرداخته است و از این رهگذر، نظریه‌های ترجمه را با ارائه مثال‌های عینی به میدان کاربردی کشانده است.

راهکارهای ترجمه

پیش از این گفته شد که از نقطه نظر دانشمندانی چون نایدا و کتفورد ترجمه خوب ترجمه‌ای است که کاملاً طبیعی و به گونه‌ای باشد که خواننده، پیام متن مبدأ را به راحتی دریابد. به بیان دیگر، «در ترجمه، انتقال پیام حرف اول را می‌زند، نه انتقال شکل و صورت متن. بورخس زمانی به مترجم آثار خود نورمن توماس دی جوانی توصیه کرد چیزی را بنویسد که او می‌خواسته بگوید، نه آن چیزی را که گفته است» (صلح‌جو، ۱۳۸۵: ۷۷). حال ببینیم از چه راه‌هایی آنچه را نویسنده عرب‌زبان می‌خواسته بگوید، می‌توان به زبان فارسی بیان کرد.

۱- رعایت هنجارهای زبان مقصد

«هنجار» در لغت یعنی «به آیین، قانونمند و متعارف» و هنجارگرایی در اصطلاح عبارت است از «رعایت اصول، فنون و قواعد زبان متعارف، مرسوم و معیار» (صفوی،

(۱۳۷۳: ۴۷). به تعبیر پیتر نیومارک، مترجم باید در اکثر متون مطمئن شود: الف) ترجمه‌اش معنی‌دار باشد. ب) سبک نوشتار آن طبیعی (بهنجار) باشد و به عبارت دیگر، به زبانی رایج نوشته شود و از دستور زبان و واژه‌ها و اصطلاحات متداول بهره‌گیرد که مناسب چنان موقعیتی باشد (نیومارک، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹). در این رابطه به چند نمونه زیر اشاره می‌شود:

۱-۱) رعایت هنجارهای زبان مقصد در واژگان و عبارات

* «وإذا لم يوفق الحاسوب في العثور على أحد المصطلحات التي طلبتها أو مقابله، فإنه سيذكر ذلك بأمانة أمام المصطلح موضوع البحث» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۷۴).

* «اگر رایانه نتوانست یکی از اصطلاحاتی که شما وارد کرده بودید یا معادل آن را بیابد، با رعایت امانت جلو آن اصطلاح می‌نویسد: «یافت نشد»».

برای اینکه بتوانیم معادل مناسبی برای یک واژه، اصطلاح یا یک عبارت ارائه دهیم، ابتدا باید از موضوع و جو حاکم بر متن آگاهی داشته باشیم و به گفته بورخس، بدانیم نویسنده چه می‌خواسته بگوید. این بخش از متن، شیوه جستجو در بانک‌های اصطلاحات را توضیح می‌دهد و در نهایت، به جمله بالا می‌رسد. اولین معادلی که برای عبارت «موضوع البحث» به ذهن می‌رسد، «موضوع پژوهش» یا «مسأله پژوهش»، و یا اگر بخواهیم معادل را کمی روان‌تر کنیم، «مورد جستجو» است. شاید بتوان این معادل‌ها را برابر با «موضوع البحث» دانست، اما باید دید این معادل‌ها منظور نویسنده را مبنی بر اصطلاح جستجو شده در بانک اصطلاحات مورد نظر وجود ندارد، می‌رساند؟ با اندکی تأمل درمی‌یابیم که یک فارسی‌زبان هیچ‌گاه برای بیان وجود نداشتن یا نیافتن چیزی نمی‌گوید موضوع پژوهش یا مورد جستجو. شاید بهترین معادل برای عبارت «موضوع البحث» همان عبارت «یافت نشد» باشد که به راحتی مفهوم را می‌رساند و با هنجارهای زبان فارسی نیز مطابقت و همخوانی دارد. در اینجا ذکر توصیه ابوالحسن نجفی به مترجمان جوان و نوپا نیز خالی از لطف نیست. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «مسأله امانت در ترجمه» می‌نویسند: «اساساً به هر مترجم جوانی می‌توان توصیه کرد که هنگام ترجمه، در هر لحظه، در هر جمله، در هر صفحه، دائماً خود را به جای خواننده

بگذارد و از خود بپرسد که خواننده از این عبارت من چه می‌فهمد و آیا آنچه می‌فهمد، همان چیزی است که مراد نویسنده بوده است یا چیز دیگر» (نجفی، ۱۳۸۵: ۶۰).

از نظر طرفداران تأکید صرف بر روی فرایند درک متن اصلی، متن به خودی خود زنده نیست و فقط توسط فرایند درک می‌توان به آن جان بخشید. در حین عمل درک، متن به تدریج خارجی بودنش را از دست می‌دهد. مترجم نمایش ذهنی خودش را از معنای متن می‌سازد و آنگاه این نمایش ذهنی در عمل ترجمه آن به متن دیگر صورت‌بندی مجدد می‌شود (ر.ک: هاوس، ۱۳۸۸: ۲۵). مثال زیر نمونه دیگری است که در آن معنا تنها از راه درک، امکان قدم نهادن در دنیای جدید را دارد.

* «و إضافةً إلى ذلك، فإنه لا يوجد في تقاليد الترجمة في المغرب العربي ضرورة مراجعة الترجمة من قبل مراجع، أو اشتراك أكثر من مترجم في ترجمة النص الواحد» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۵۹).

- «علاوه بر این، در مغرب عربی، ضرورت بررسی ترجمه توسط یک کارشناس و یا مشارکت بیش از یک مترجم در ترجمه یک متن معمول نیست».

می‌بینیم هیچ نشانه‌ای از «تقالید الترجمة: اصول ترجمه» در ترجمه یاد شده نیست که گمان می‌رفت باید از اجزای اصلی متن زبان مقصد باشد، بلکه معنای متن اصلی درک و طبق هنجارهای زبان مقصد بیان شده است؛ به عبارت ساده‌تر، باید توجه داشته باشیم که اگر بدون در دست داشتن متن مبدأ قصد داشتیم چنین مفهومی را در زبان مقصد بیان کنیم، چه می‌گفتیم؟ همین باید به شکل مکتوب درآید.

۲-۱) رعایت هنجارهای زبان مقصد در جملات

مسأله مطابقت با هنجارهای زبان مقصد همیشه منحصر به واژگان نیست. گاهی باید مفهوم یک جمله را دریافت و مطابق با هنجارهای زبان مقصد بیان کرد:

* «وأن حوالی ۲۵٪ من الأطفال في سن التمدرس لا تتاح لهم فرصة الإلتحاق بالمدارس» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۳۷).

ترجمه وفادار به ساخت زبان مبدأ (ساختار به ساختار) از جمله بالا را می‌توان به این صورت بیان کرد:

- «به حدود ۲۵٪ از کودکان در سنین تحصیل فرصت رفتن به مدرسه داده نمی‌شود».
این عبارت می‌تواند برای خواننده فارسی‌زبان نامفهوم و ناآشنا باشد، چرا که هر زبان برای بیان مفاهیم، شیوه خاص خود را دارد. زبان فارسی نیز تعبیری زیبا و متناسب با ساختار خود برای بیان این مفهوم دارد. بهتر است بگوییم:
- «حدود ۲۵٪ کودکان در سنین تحصیل، امکان رفتن به مدرسه را ندارند».

نکته دیگری که ذکر آن در اینجا خالی از فایده نیست و تأثیر بسزایی در تولید یک ترجمه خوب دارد، لزوم آشنایی مترجم با زبان مقصد و مطابقت ترجمه او با روش درست فارسی‌نویسی است. احمد آرام در مقاله خود با عنوان «ترجمه خوب» می‌نویسد: «بسیار اتفاق می‌افتد کسانی که از علمی سر رشته دارند و همه شرایط در ایشان جمع است، کتابی را ترجمه می‌کنند که نمی‌توان به آن نام ترجمه خوبی داد و سود جستن دیگران از آن ترجمه بسیار اندک‌مایه می‌شود. شاید یک سبب چنین پیشامدی آن باشد که اینگونه کسان به شیوه درست فارسی‌نویسی آشنایی ندارند: (آرام، ۱۳۸۵: ۱۲).

۲- تغییر نقش دستوری کلمات مطابق با هنجارهای دستوری زبان مقصد

گاهی نیز لازمه انتقال روان معنا، تغییر نقش دستوری کلمات است. این شیوه یکی از هفت روشی است که وینه و داربلنه در کتاب *سبک‌شناسی مقایسه‌ای فرانسه و انگلیسی* مطرح کرده‌اند و لادمیرال نیز در کتاب خود بر آن صحه گذاشته است. او این شیوه را یعنی جایگزین کردن بخشی از گفتمان با بخشی دیگر، بی‌آنکه محتوای پیام تغییر کند، «انتقال» می‌نامد. در واقع، بر اساس این قضیه می‌توان در ترجمه بدون ایجاد تغییر در معنا، ساختار را تغییر داد. در این صورت، مترجم اسم را به فعل، فعل را به قید، فعل را به اسم یا قید و... ترجمه می‌کند (ر.ک؛ مهدی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۸-۵۲). در ادامه به چند نمونه از این دست تغییرها اشاره می‌کنیم که در ترجمه کتاب *الترجمة و أدواتها* با آن مواجه شدیم.

۲-۱) تبدیل اسم به فعل

* «فمثلاً بنک المصطلحات التابع للاتحاد الأوربيّ ومقره لوكسمبورغ مختصّ بمصطلحات العلوم و التكنولوجيا و الاقتصاد، و يضمّ اللغات الفرنسيّة والألمانيّة والإنكليزيّة والدنماركيّة والإيطاليّة والهولنديّة» (القاسمي، ۲۰۰۹م: ۵۲).

- «برای نمونه، بانک اصطلاحات وابسته به اتحادیه اروپا که در لوگزامبورگ قرار دارد، به اصطلاحات علم، فن و اقتصاد اختصاص دارد و زبان‌های فرانسوی، آلمانی، انگلیسی، دانمارکی، ایتالیایی و هلندی را دربرمی‌گیرد».

۲-۲) تبدیل مصدر به فعل

* «ويقوم المترجم في هذا النوع من الترجمة بفهم أفكار النصّ الأصليّ، ثمّ التعبير عنها بما يقاربها في اللّغة الهدف، ناسياً، أثناء النقل، كلمات النصّ الأصليّ وتراكيبه» (همان: ۵۸).

- «در این نوع ترجمه، مترجم اندیشه‌های متن اصلی را درمی‌یابد. سپس با معادل‌های نزدیک به آن در زبان مقصد این اندیشه‌ها را بیان می‌کند و در این میان، واژگان و ترکیب‌های متن مبدأ را به فراموشی می‌سپارد».

می‌بینیم که مقوله دستوری برخی از واژه‌ها عیناً به زبان مقصد منتقل نمی‌شود، بلکه در ترجمه آنها گاهی اسم، صفت یا فعل تغییر یافته است و شکل دستوری دیگری پیدا می‌کند (ر.ک؛ سعیدان، ۱۳۸۷: ۳۱).

۲-۳) تغییر فاعل جمله

گاهی مترجم ناچار به تغییر فاعل جمله می‌شود تا بتواند ترجمه‌ای مطابق با هنجارهای زبان مقصد ارائه دهد.

* «ولكنّ هذا المعجم يختلف في خصائصه عن المعجم المعدّ للاستعمال البشريّ أو المعجم المخصّص لبنوك المصطلحات» (القاسمي، ۲۰۰۹م: ۷۶).

- «اما این واژه‌نامه در ویژگی‌هایش با واژه‌نامه‌های تهیه شده برای استفاده انسان یا واژه‌نامه‌های خاص بانک اصطلاحات متفاوت است».

دستور زبان فارسی عبارتی مانند «این واژه‌نامه در ویژگی‌هایش» را بر نمی‌تابد. در واقع، دستور زبان فارسی فاقد چنین ساختار دستوری است و عبارت مذکور صرفاً گرفته‌برداری از ساخت دستوری زبان مبدأ، یعنی «هذا المعجم یختلف فی خصائصه» است و فرآیند درک متن را برای خواننده زبان مقصد با دشواری مواجه می‌سازد. از این رو، تغییر فاعل جمله در روند ترجمه از «المعجم» در متن مبدأ به «ویژگی‌ها» در زبان مقصد، شیوه‌ای است که بدون ایجاد تغییر در مفهوم، متن ترجمه شده را روان و قابل فهم خواهد کرد. بنابراین، ترجمه پیشنهادی آن چنین است:

- «اما ویژگی‌های این واژه‌نامه با واژه‌نامه‌های تهیه شده برای استفاده انسان یا واژه‌نامه‌های خاص بانک اصطلاحات متفاوت است».

۳- افزایش و کاهش در ترجمه

۳-۱ افزایش

یکی دیگر از مسائلی که منجر به تعدیل ترجمه می‌شود، این است که بسیاری از واژه‌هایی که مفهوم آنها در فرهنگ زبان مقصد شناخته شده، فاقد معادل یک کلمه‌ای در آن زبان است و برای ترجمه آن باید از ترکیب دو یا چند واژه استفاده شود. (سعیدان، ۱۳۸۷: ۳۰؛ کمالی، ۱۳۷۲: ۱۷-۲۲؛ کبیری، ۱۳۸۸: ۶۸-۷۰؛ لطفی پورساعدی، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۱؛ لارسن، ۱۳۸۷: ۴۸ و مظفرالدین حکیم، ۱۹۸۹م: ۱۱۷-۱۱۵).

* «وفی الإحصائیة التونسية الخاصة بمطبوعات بیت الحکمة، لا تُوجد سوی ٤ کُتُب مغرَبة...» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۵۷).

- «و در آمار کشور تونس که متعلق به انتشارات بیت‌الحکمة است، تنها ۴ کتاب یافت می‌شود که به زبان‌های غربی ترجمه شده‌اند».

محتوای معنایی یک قالب واژگانی در زبان مبدأ ممکن است در چهارچوب یک عبارت یا حتی یک جمله در زبان مقصد ارائه شود. واژه‌بندی یا قالب‌بندی مفاهیم در زبان‌های مختلف ممکن است فرق بکند و آنچه در یک زبان در قالب یک کلمه واژه‌بندی می‌شود، در زبان دیگر ممکن است در قالب چند کلمه عرضه شود. عکس این مسأله نیز صدق می‌کند؛ یعنی چند واژه یا یک عبارت در زبان مبدأ به یک واژه در زبان مقصد ترجمه می‌شود (رک: سعیدان، ۱۳۸۷: ۳۲ و مظفرالدین حکیم، ۱۹۸۹م: ۱۱۹-۷۲).

۲-۳ کاهش

* «إنتاج الترجمة من حيث الكم» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۵۳).

- «تولید کمی ترجمه».

* «إنتاج الترجمة من حيث کیف» (همان: ۵۷).

- «تولید کیفی ترجمه».

گاه باید یک جمله را به شکل یک عبارت اضافی ترجمه کرد؛ مثلاً:

* «وعملیة تلقى الرسالة (المعنى) الّتی يقوم بها المترجم، تمرّ بمستويات ثلاثة...» (همان: ۸۷).

- «روند دریافت پیام (معنا) توسط مترجم از سه سطح می‌گذرد...».

صله و جمله صله (الّتی يقوم بها المترجم) به صورت یک عبارت اضافی کوتاه «توسیط مترجم» برگردان شده است.

۴- حذف

در برخی موارد مترجم با شرایطی مواجه می‌شود که باید بخشی از متن را، چه در سطح واژگان و چه در سطح عبارات و جملات، حذف کند. معمولاً حذف برخی قسمت‌های جمله زمانی موجّه شمرده می‌شود که مترجم آن موارد را برای خواننده خود واضح یا تکراری و خسته‌کننده تشخیص دهد.

* «و سواء أكانت الثنائية اللغوية في أقطار المغرب العربي اختياراً مسبقاً أو قصوراً في استراتيجية التعريب، فإن هذه الوضعية اللغوية، إضافة إلى عرقلتها للتنمية الاجتماعية الاقتصادية في هذه الأقطار، تلحق الضرر البيّن بالترجمة ذاتها...» (همان: ۳۷).

- «این دوزبانگی در کشورهای مغرب عربی، چه یک گزینه از پیش تعیین شده باشد و چه کوتاهی در روش تعریب، علاوه بر ایجاد مانع در برابر توسعه اجتماعی - اقتصادی در این سرزمین‌ها، به خود ترجمه نیز خسارت قابل توجهی وارد می‌کند».

موارد حذف در ترجمه خوب بسیار محدود، حتی نادر است و مترجم وفادار جز در مواقع ضروری و اجتناب‌ناپذیر اقدام به حذف مطلبی نمی‌کند، چرا که حذف بی‌رویه عمده‌ترین عیب ترجمه محسوب می‌شود (کمالی، ۱۳۷۳: ۳۰-۲۲).

۵- شکستن جملات بلند و پیچیده

ساختار هر زبانی بنا بر روحیات و نوع نگرش هر ملتی متفاوت است. زبان عربی به جملات بلند و در هم پیچیده گرایش دارد، حال آنکه زبان فارسی جملات بلند و فاصله زیاد نهاد از فعل جمله را نمی‌پذیرد. در چنین حالتی باید به شکستن جملات طولانی و ایجاد جملات کوتاه‌تر و به تبع آن استفاده از چند فعل به جای یک فعل روی آورد.

* «إن نقل التكنولوجيا وتنميتها وطنياً يتطلبان تطوير التعليم العام في أهدافه، و بنيته، و محتواه؛ ودمج تدریس العلوم الحديثة و تطبيقاتها فيه دمجاً عضوياً...» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۶۸).

- «لازمة انتقال فناوری و توسعه آن در سطح ملی، تغییر و تحول در اهداف، زیربنا و محتوای آموزش همگانی است و باید آموزش دانش‌های نوین با نمونه‌های عملی و کاربردی آن اساساً همراه گردد».

ملاحظه می‌شود که جمله بالا در ترجمه به دو جمله مستقل تبدیل شده است و تنها فعل جمله عربی تبدیل به اسم و به جای آن در ترجمه برای هر جمله یک فعل مجزاً قرار داده شده است. اما همیشه مسأله به همین جا ختم نمی‌شود. در برخی موارد با جملات

پیچیده‌تری مواجه می‌شویم که ترجمه آنها نیازمند تعدیل‌های دقیق‌تر و هوشمندانه‌تری است.

* «وَسْتَنْوَلُ بِالْعُرْضِ الْوَجِيزِ اَهْدَافَ التَّرْجَمَةِ فِي هَذِهِ الْاَقْطَارِ، وَالْعَوَامِلُ الْمَوْثِرَةُ فِي تَنْمِيَةِ التَّرْجَمَةِ وَمَدَى تَوَافُرِهَا فِيهَا، وَنَتَاجُ التَّرْجَمَةِ مِنْ حَيْثُ الْكَمِّ وَالْكَيفِ، وَبَعْضُ الْاِقْتِرَاحَاتِ الَّتِي مِنْ شَأْنِ الْاِخْتِزَابِ بِهَا تَرْجِمَةُ التَّرْجَمَةِ وَتَفْعِيلُهَا» (همان: ۲۷).

- «در ادامه به صورت خلاصه به ارائه اهداف ترجمه در این کشورها، عوامل مؤثر در رشد و توسعه ترجمه و بررسی اینکه کدام یک از این عوامل در این کشورها وجود دارد، می‌پردازیم، و نیز آثار ترجمه شده در این کشورها از نظر کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته، برخی از پیشنهادهایی که به کارگیری آنها موجب رشد و باروری ترجمه می‌شود، ارائه می‌گردد».

در مثال بالا جمله طولانی زبان مبدأ به چند جمله در زبان مقصد تبدیل شده است، اما مشکلی که در این مرحله با آن مواجه هستیم، مربوط به قرار گرفتن جای افعال جمله‌هاست. نمی‌توان گفت ترجمه جملات فوق اشتباه است، اما از آنجایی که وجود افعال متوالی در زبان فارسی با فاعل و مفعول‌های متوالی ابهام‌آمیز است، نتیجه نامطلوبی به دست خواهد داد. روانشناسی زبان تأکید می‌کند که درک چنین اجزاء از هم گسیخته‌ای به علت محدود بودن ظرفیت حافظه، مشکل است، چرا که حافظه شنونده کلمه جدید را به اجزایی مربوط می‌داند که قبل از آن قرار گرفته است. پس اگر بین دو قسمت یک عبارت، مطالب زیادی گنجانده شود، پیدا کردن اجزای مربوطه مشکل خواهد بود (ر.ک: جدیری سلیمی، ۱۳۷۳: ۹-۱۶). در این شرایط، می‌توان دو جمله را به شکل ربطی و با حروف ربط از هم جدا کرد:

- «در ادامه به صورت خلاصه به ارائه اهداف ترجمه در این کشورها و عوامل مؤثر در رشد و توسعه ترجمه پرداخته، به بررسی این مسأله می‌پردازیم که کدام یک از این عوامل در این کشورها وجود دارد، و نیز آثار ترجمه شده در این کشورها از نظر کمی و

کیفی مورد بررسی قرار گرفته است، برخی پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که به کارگیری آنها موجب رشد و باروری ترجمه می‌شود».

۶- توجه به مفاهیم ثانویه یا معنای همنشینی

هر زبانی شیوه اصطلاحی خاص خود را برای بیان معنا از طریق عناصر واژگانی (کلمات، عبارات و غیره) دارد. از خصوصیات کلمات این است که یک مورد واژگانی ممکن است به غیر از معنایی که فوراً به ذهن می‌رسد، دارای چند معنای دیگر نیز باشد. اغلب این معنای را مفاهیم ثانویه یا معنای ثانویه می‌نامند. معنای اولیه معنایی است که یک کلمه به تنهایی دارد. در واقع، اولین معنا یا کاربردی است که یک کلمه هنگامی که جداگانه به کار می‌رود، در عموم افراد تداعی می‌کند. اما همان کلمه وقتی در یک متن با کلمات دیگر به کار می‌رود، ممکن است معنای متفاوتی داشته باشد (رک: لارسن، ۱۳۸۷: ۸۳-۹۲).

* «ولذلك يلاحظ الباحثون تناسباً طردياً بين التقدم الحضاريّ و كميّة الترجمة» (القاسمي، ۲۰۰۹م: ۱۴).

- «از این رو، پژوهشگران رابطه‌ای مستقیم بین پیشرفت تمدن و میزان ترجمه مشاهده کرده‌اند».

* «الترجمة ضرورة حضارية و نشاط فكري و عملية لغوية» (همان: ۲۷).

- «ترجمه یک ضرورت فرهنگی، فعالیت فکری و فرایند زبانی است».

هر زبان دارای نظام منحصر به فردی است که عناصر آن موجودیت و ارزش خود را در چهارچوب این نظام و در رابطه با سایر عناصر به دست می‌آورند. در مثال بالا، در جمله اول واژه «الحضاری» در کنار واژه «تقدم» و در ارتباط با عبارت «کمیّة الترجمة»، «تمدن» ترجمه شده است، در حالی که جو حاکم بر جمله دوم و همنشینی همان واژه با عناصری دیگر گویای مفهوم «فرهنگ» است، نه «تمدن». به بیان دیگر، «فعالیت فکری» و «فرایند زبانی» را با «ضرورت فرهنگی» می‌توان کنار هم قرار داد، نه با «ضرورت تمدنی».

بنابراین، مترجم در انتخاب معادل‌های ترجمه نمی‌تواند برای عناصر زبان مبدأ بدون در نظر گرفتن نظام مربوط معادل پیدا کند. در واقع، مترجم باید با در نظر داشتن «ارزش و نقش ارتباطی» عناصر زبانی به گزینش معادل بپردازد. معنای ارتباطی یک عنصر واژگانی عبارت است از معنایی که آن عنصر در یک بافت متنی و اجتماعی ویژه به خود اختصاص می‌دهد؛ یعنی اینکه آن عنصر در چه جمله‌ای واقع شده است و آن جمله در چه نوع متنی به کار رفته است و آن متن تظاهر صوری کدام فرایند سخن بوده است (ر.ک؛ لطفی پورساعدی، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۱).

این مسأله را در ترجمه واژه تعریب در جملات و بافت‌های مختلف که در پی می‌آید، می‌توان به وضوح مشاهده کرد. لادمیرال از این مبحث با عنوان قضیه حق انتخاب مترجم نام می‌برد: «بر طبق این قضیه، لادمیرال حق انتخاب معادل کلمات را بر عهده مترجم می‌گذارد. در این صورت مترجم می‌تواند برای ارائه معادلی که با بافت متن مقصد همخوانی بیشتری داشته باشد، از متن مبدأ فاصله بگیرد و دست به انتخاب بزند» (مهدی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۹).

* «إنشاء دور نشر متخصصة فی تعریب الكتب العلمیة و التقنیة الهامة حال صدورها فی اللغات العالمیة الأخری» (القاسمی، ۲۰۰۹م: ۶۸).

- «ایجاد انتشارات تخصصی برای ترجمه کتاب‌های علمی و فنی مهم به زبان عربی به محض چاپ در دیگر زبان‌های جهانی».

* «و یزداد الأمر غموضاً فی أذهان المتعلمین فی بلادنا العربیة إذ یظنون أن المصطلحات العربیة هی مجرد ترجمة أو تعریب للمصطلحات الأجنبيّة» (همان: ۸۲).

- «این مسأله در کشورهای عربی پیچیده‌تر می‌شود، چرا که زبان‌آموزان می‌پندارند که اصطلاحات عربی تنها شامل اصطلاحات ترجمه شده یا معادل‌سازی شده اصطلاحات خارجی است».

* «الترجمة وسیلة لتعریب التعلیم و الإدارة» (همان: ۳۲).

- «ترجمه وسیله‌ای برای استفاده از زبان عربی در آموزش و مکاتبات دولتی است».

* «و يتطلب هذا الأمر إعداد المترجمين القادرين على تعريب الإدارة ووثائقها، و تكوين المتخصصين المتمكّنين من تعريب التّعليم و مناهجه، و توفير المصطلحات العلميّة و التقنيّة اللاّزمة باللّغة العربيّة» (همان: ۳۲).

- «این امر تربیت مترجمانی توانا به عربی‌سازی مکاتبات دولتی و اسناد آن، آموزش متخصصانی توانا به عربی‌سازی آموزش و روش‌های آن و فراهم نمودن اصطلاحات علم و فناوری مورد نیاز به زبان عربی را می‌طلبد».

* «وأمّا في التّعليم فإنّ العربيّة هي لغة التّعليم في المرحلتين الابتدائيّة والثانويّة وكلّيات العلوم الإنسانيّة، في حين تُستعمل الفرنسيّة لغة التّعليم الجامعيّ العلميّ والتقنيّ، ما عدا تونس التي قصرت التّعريب على المرحلتين الابتدائيّة والمتوسّطة (السّنوات التّسع الأولى من التّعليم فقط) و بعض التّخصّصات الإنسانيّة في التّعليم العالي» (همان: ۳۵).

- «اما در آموزش، عربی زبان آموزش در مقاطع ابتدایی و دبیرستان و دانشکده‌های علوم انسانی است، در حالی که فرانسوی به عنوان زبان آموزش دانشگاهی در زمینه‌های علمی و فنی و حرفه‌ای استفاده می‌شود. جز تونس که تنها در دو مقطع ابتدایی و راهنمایی (تنها نه سال اول آموزش) و برخی رشته‌های علوم انسانی در آموزش عالی، زبان عربی را زبان آموزش قرار داد».

* «ونظراً لأنّ هذه الأقطار - شأنها شأن أقطار المغرب العربي - لا تمتلك استراتيجيّة تعريب وطنيّة ثابتة، وإنّما تمارس تعريباً ظرفياً مزاجياً معروضاً للتّغيير والتّعديل حسب السياسات المتحوّلة، فإنّ عمليّة التعريب فيها قد انتكست عدّة مرات» (همان: ۳۴).

- «با توجه به اینکه این کشورها - همانند کشورهای مشرق عربی - هیچ استراتژی ملی و ثابتی برای عربی‌سازی نداشته، بلکه بر حسب شرایط و سلیقه‌ای به تعریبی می‌پرداختند که بنا به سیاست‌های در حال تغییر در معرض تغییر و اصلاح بود. روند تعریب بارها شاهد عقب‌گرد بود».

البته معنای ارتباطی یک واژه بی‌ارتباط با معنای معناشناختی آن نیست. در واقع، بر پایه عوامل بافت متنی و اجتماعی حاکم بر کاربرد یک واژه، معنای ارتباطی آن از میان

معانی دلالتی متعدّد آن برگزیده می‌شود. ملاحظه می‌کنیم که واژه تعریب در بافت‌های مختلف، معانی ارتباطی مختلفی به خود می‌گیرد و برای ترجمه آن باید شیوه‌های مختلف را به کار گرفت.

در این مطلب، با توجه به مجال اندکی که در اختیار بود، تلاش شد با تکیه بر برخی نظریه‌های ترجمه و کاربردی کردن آنها از طریق توضیح و ارائه مثال‌های عینی، گامی در جهت روشن‌تر ساختن شیوه‌های ترجمه به شکل علمی و روشمند برداشته شود و امید است با مطرح شدن چنین مباحثی مترجمان بتوانند با برگزیدن راهکارهایی مناسب، با توجه به نوع متنی که ترجمه می‌کنند و با استفاده از نظریه‌های علمی و کاربردی، راه خویش را برای ارائه ترجمه‌های بهتر و علمی‌تر بیابند.

نتیجه‌گیری

ترجمه انتقال معنا از زبان مبدأ به زبان مقصد است. این کار با تغییر شکل زبان اول به زبان دوم و از طریق ساختار معنایی انجام می‌شود. آنچه که منتقل می‌شود و باید ثابت نگه داشته شود، معناست و فقط شکل تغییر می‌کند. از آنجایی که در روند ترجمه متون علمی، اولویت با انتقال معناست، مترجم باید کاملاً هوشیار باشد و هر زمان احساس کرد وفاداری به صورت متن مبدأ کوچکترین خللی در انتقال معنا وارد می‌کند، صورت را تغییر دهد و دست به تعدیل‌های مفید و سودمند بزند تا بتواند مأموریت خود را که همان انتقال درست معناست، به بهترین شکل ممکن انجام دهد. تفاوت ساختارهای دو زبان عربی و فارسی یکی از مهم‌ترین عواملی است که انتقال معنا را با دشواری مواجه می‌سازد که لازمه گذشتن از این مانع، تبدیل ساخت زبان مبدأ در لایه‌های مختلف آن - طی فرایند ترجمه - به ساختارهایی متناسب با زبان مقصد است.

زبان‌ها ساختارهای صوتی، صرفی، نحوی و معنایی متفاوتی دارند. نقطه آغاز ترجمه درک این اصل بدیهی است. از این رو، با توجه به ناهمگونی ساختارها یا حتی در بسیاری موارد تفاوت ارزش و نقش ارتباطی ساختارهای به ظاهر همگون، مترجم نباید از روش ترجمه ساختار به ساختار استفاده کند و نسبت به تفاوت ارزش و نقش ارتباطی

واژگان و عبارتها در دو زبان مبدأ و مقصد بی تفاوت باشد. چنین کاری نه تنها مفاهیم را به درستی و با همان تأثیر زبان مبدأ منتقل نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود متن ترجمه شده رنگ و بوی زبان مبدأ را داشته باشد. مترجم باید در مرحله اول مفهوم متن را کاملاً دریابد و آنگاه برای انتقال این مفاهیم از ساختار مناسبی در زبان مقصد استفاده کند که چه بسا متناظر با همان ساختارهای زبان مبدأ نباشد. او برای تحقق این مهم باید فنون مختلف همچون حذف و اضافه، تغییر شکل دستوری واژگان، شکستن جملات پیچیده و بلند یا حتی ارائه چند واژه یا یک عبارت به جای یک واژه و برعکس و بسیاری فنون دیگر را به کار گیرد. علاوه بر آن، برای ترجمه به معنای ارجاعی واژگان پایبند نباشد و معنای متنی و سیاقی مورد نظر را با توجه به کل متن و شواهد و قراین موجود در آن بیابد. به بیان دیگر، می‌توان گفت واژه باید در جمله و جمله در بند و بند در کل متن ترجمه شود تا به انتقال روان و ملموس متن بینجامد و اگر چنین شیوه‌ای را در پیش گیریم، درمی‌یابیم که هر واژه و عبارت در موقعیت‌های متفاوت، معنایی متفاوت از دیگر موقعیت‌ها دارد و نقش ارتباطی متفاوتی را ایفا می‌کند.

یک مترجم خوب به هنگام دست زدن به عمل ترجمه، تعدیل و تغییرهایی که ناگزیر از اعمال آنهاست، باید به این مسأله آگاه باشد که نباید ترجمه‌ای را که در روند آن تغییرهایی در متن مبدأ صورت گرفته، ترجمه‌ای دانست که از حد امانتداری عدول کرده است، چرا که این تغییرات بخشی از ماهیت ترجمه و گامی است در جهت انتقال روان، ملموس و قابل فهم معنا. علاوه بر این، باید توجه داشته باشد که دست زدن به هر تغییری مجاز نیست و گاهی اوقات زیاده‌روی در تعدیل‌های ترجمه‌ای عیب شمرده می‌شود (چنان‌که در مبحث حذف اشاره شد) و موجب از دست رفتن برخی ویژگی‌های اساسی متن مبدأ همچون تأکیدهای نویسنده بر امری خاص و یا خصوصیات زیبایی‌شناختی آن می‌شود.

ماهیت زبان و تفاوت ساختارهای بین زبان‌ها به مترجم این امکان را نمی‌دهد تا ترجمه‌ای ارائه کند که آیینۀ تمام‌نمای متن زبان مبدأ باشد. اما مترجم می‌تواند با اعمال

تغییراتی که در این جستار به بخشی از آن پرداخته شد، اصلی‌ترین عنصر هر متن، یعنی مفهوم متن را به بهترین شکل ممکن منتقل کند.

منابع و مآخذ

- آرام، احمد. (۱۳۸۵). «ترجمه خوب». مجموعه مقالات فن ترجمه از دیدگاه صاحب‌نظران و استادان ترجمه. تألیف علی جانزاده. تهران: جانزاده.
- جدیری سلیمی، ابراهیم. (۱۳۷۳). «مسأله افعال متوالی حاصل از ترجمه جملات پایه و پیرو در زبان فارسی». مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. به کوشش کاظم لطفی پورساعدی و عباسعلی رضایی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- سعیدان، اسماعیل. (۱۳۸۷). «اصول و روش کاربردی ترجمه». تهران: رهنما.
- صحرايي نژاد، فهیمه. (۱۳۸۹). «نگاهی دوباره به تعدیل در ترجمه». مطالعات ترجمه. دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۲۴-۵.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). «از زبان‌شناسی به ادبیات». تهران: چشمه.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۸۵). «گفتمان و ترجمه». چاپ چهارم. تهران: نشر مرکز.
- القاسمی، علی. (۲۰۰۹م). «الترجمة و أدواتها؛ دراسات فی النظرية و التطبيق». لبنان: مکتبة لبنان ناشرون.
- کبیری، قاسم. (۱۳۸۸). «اصول و روش ترجمه؛ بر اساس کتاب Meaning-Based Translation». تهران: رهنما. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کمالی، جواد. (۱۳۷۲). «حذف و اضافه در ترجمه». سال سوم. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۳۱-۱۶.
- لارسن، ام. ال. (۱۳۸۷). «ترجمه بر اساس معنا». ترجمه علی رحیمی. چاپ دوم. تهران: جنگل.
- لطفی پور ساعدی، کاظم. (۱۳۸۹). «اصول و روش ترجمه (رشته مترجمی زبان انگلیسی)». چاپ دهم. تهران: دانشگاه پیام نور.

مظفرالدین حکیم، أسعد. (۱۹۸۹م.). «علم التّرجمة النّظری». الطبعة الأولى. دمشق: دار
 طلاس للدراسات و التّرجمة و النّشر.

مهدی پور، فاطمه. (۱۳۹۰). «ژان رنه لادمیرال؛ قضایایی برای رویارویی با مشکلات
 ترجمه». کتاب ماه ادبیات. شماره ۵۱ (پیاپی ۱۶۵). صص ۴۸-۵۲.

_____ . (۱۳۸۹). «نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم
 تخریب متن از نظر آنتوان برمن». کتاب ماه ادبیات. شماره ۴۱ (پیاپی ۱۵۵).
 صص ۶۳-۵۷

نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۵). «مسأله امانت در ترجمه». مجموعه مقالات فنّ ترجمه از
 دیدگاه صاحب‌نظران و استادان ترجمه. تألیف علی جانزاده. تهران: جانزاده.

نیومارک، پیتر. (۱۳۸۲). «دوره آموزش فنون ترجمه». ترجمه منصور فهیم و سعید
 سبزیان. تهران: رهنما.

وثوقی، حسین. (۱۳۸۵). «مترجم توانا و آگاهی نسبت به تغییرات، هنجارهای متداول و
 راهبردهای ترجمه». مجله مطالعات ترجمه. دوره ۴. شماره ۱۶. سال چهارم.
 صص ۲۴-۷.

هاوس، جولیان. (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر مطالعات زبان و ترجمه». ترجمه علی بهرامی.
 تهران: رهنما.